

# صد سال تنهایی

گابریل گارسیا مارکز | مترجم: سید اسلام فاطمی سیرت

One Hundred years of solitude

Cien años de soledad

Gabriel García Márquez

## صد سال تنهایی

نویسنده: گابریل گارسیا مارکز

مترجم: سید اسلام فاضلی سیروت

ناشر: عصر جوان

صفحه آرا و طراح جلد: محمود دهفانی

چاپخانه: البرز

نوبت و سال انتشار: سوم / ۱۳۹۷

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قطع: ۱۶ صفحه: رقعی، ۴۱۶ صفحه

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

نشانی: قم، خیابان ارم، پاساژ قدس، طبقه آخر، پلاک ۱۶۷

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۰۰۳۷ همراه: ۰۹۱۳۵۵۲۸۴۸۰

موسسه فرهنگی کینما (شجاعتی) ۰۹۱۳۷۳۱۹۹۴۵

جهت سفارش و تهیه آثار انتشارات عصر جوان، می‌توانید با شماره‌های نشر تماس حاصل فرمایید.

سرشناسه: گارسیا مارکز، گابریل، ۱۹۲۷ - ۲۰۱۴ م.

عنوان و نام پدیدآور: صد سال تنهایی / گابریل گارسیا مارکز

مشخصات نشر: قم، عصر جوان، ۱۳۹۷

مشخصات ظاهری: رقعی ۴۱۶ ص

شابک: 978-622-6384-02-5

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Cien anos de soledad, 1998

موضوع: داستان‌های کلمبیایی - قرن ۲۰ میلادی

رده بندی کنگره: ت ۱۳۹۷ ۴ ص ۴/الف ۲۸/۱۸۰ PQ۸۱۸۰

شماره کتابشناسی ملی: ۵۴۱۸۴۰۹

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.



|          |            |
|----------|------------|
| ۶.....   | فصل یک     |
| ۲۳.....  | فصل دو     |
| ۳۸.....  | فصل سه     |
| ۵۹.....  | فصل چهار   |
| ۸۰.....  | فصل پنج    |
| ۱۰۳..... | فصل شش     |
| ۱۲۱..... | فصل هفت    |
| ۱۴۲..... | فصل هشت    |
| ۱۵۹..... | فصل نه     |
| ۱۸۰..... | فصل ده     |
| ۲۰۲..... | فصل یازده  |
| ۲۲۴..... | فصل دوازده |
| ۲۴۳..... | فصل سیزده  |
| ۲۶۷..... | فصل چهارده |
| ۲۹۱..... | فصل پانزده |
| ۳۱۳..... | فصل شانزده |
| ۳۳۳..... | فصل هفده   |
| ۳۵۶..... | فصل هجده   |
| ۳۷۹..... | فصل نوزده  |
| ۳۹۹..... | فصل بیست   |

## مقدمه‌ی مترجم

در هر چیزی می‌توان عشق را حس کرد، وقتی دریا ماهی را در آغوش می‌گیرد، زمین جوانه‌های کوچک را می‌بوسد و برگ‌های بلند ذرت، دانه دانه محبت را بغل می‌کنند در هر چیز می‌توان عشق را حس کرد و "خدا" را!

هر چه معرورتر باشی، تشنه‌ترند برای با تو بودن و هر چه دست نیافتنی باشی، بیشتر به دنبال می‌آیند؛ امان از روزی که غروری نداشته باشی و بی‌ریا به آنها محبت کنی، آن وقت تو را هیچ وقت نمی‌بینند؛ ساده از کنارت عبور می‌کنند. برای یک روز هم که شده دنبال چیزهایی که نداری نرو و از چیزهایی که داری لذت ببر...

زمان نمی‌گذرد. بلکه فقط تکرار می‌شود. اگر روزی انسان در کوبه درجه یک مسافرت کند و ادبیات در واگن بار. کار دنیا به سر آمده! نسل‌های محکوم به صد سال تنهایی، فرصتی برای زندگی دوباره در روی کره زمین نخواهد داشت. فقر یعنی بردگی عشق. روزی که قرار بشود بشر در کوبه درجه یک سفر کند. ادبیات در واگن کالا. دخل دنیا آمده است. گذشته دروغی بیش نیست و خاطره بازگشتی ندارد. هر بهاری که می‌گذرد دیگر بر نمی‌گردد.

و حتی شدیدترین و دیوانه‌کننده‌ترین عشق‌ها هم حقیقتی ناپایدار است. جهان چنان تازه بود که بسیاری چیزها هنوز اسمی نداشتند و برای نامیدن شان می‌بایست با انگشت به آن‌ها اشاره کنی. دنیا ارزش غم خوردن و دل شکستن ندارد، هیچ کس ماندنی نیست جز او که آفریدگار جهان است، پس بیاییم زندگی کنیم به دور از کینه و حسادت و زخم زبان‌ها، بدان که موفقیت هیچ رازی ندارد، از تو شروع می‌شود زمانی که تصمیم می‌گیری شرایطت رو تغییر بدی، شاید به خیلی چیزها فکر کنی به مشکلات، به راهکارها و... اما به قانون بیشتر وجود ندارد: "موفقیت به سن، وضعیت فعلیت، وضعیت گذشته" تو هیچ ارتباطی ندارد.

دقت کن ... موفقیت شجاعت و شهامت می‌خواهد، خواستن و خواستن و خواستن می‌خواهد. موفقیت، در یک کلام، تو رو می‌خواهد، اینکه وقتی هزار نفر بهت می‌گویند نمیتونی، فقط یک جمله بهشون بگی: "بنشین و تماشا کن!" آدمای رویا دزد، همیشه وجود دارن. رویای خودت رو محکم نگه دار و براش تلاش کن...